

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

ورزش می تواند نظام عاطفی مشترک در جامعه ایجاد کند

مسئولیت اجتماعی نباید تنها بر دوش ورزشکاران قرار گیرد

مهری رنجبر موضوع مسئولیت اجتماعی ورزشکاران، به عنوان یکی از شاخصه‌های اثرگذار در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی و ارتقای سرمایه اجتماعی، همواره مورد توجه پژوهشگران و افکار عمومی بوده است. ورزشکاران و قهرمانان ورزشی، فراتر از میدان رقابت، در جایگاه الگوهای اجتماعی قرار دارند و می‌توانند نقش مهمی در جهت‌هی به ارزش‌ها، رفتارهای جمعی و تقویت همبستگی

از نگاه جامعه‌شناسی ورزش، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را چطور می‌توان توضیح داد؟ آیا ایند مسئولیت بیشتر به تصمیم‌وکنش آگاهانه خود ورزشکار برمی‌گردد یا نتیجه فشارها و انتظاراتی است که از سوی ساختارها و نهادها برای اجتماعی به‌او تحمیل می‌شود؟

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان امری مبتنی بر اراده فردی یا به‌طور کامل تابع ساختارهای نهادی در نظر گرفت؛ بلکه این مفهوم حاصل رابط‌های دیالکتیکی میان «عاملیت» و «ساختار» است.

در چهارچوب نظری « سنت ویری» ، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را می‌توان نوعی «کنش اجتماعی معنادر» دانست؛ کنشی که همچون سایر کنش‌های اجتماعی، را در نظر گرفتن دیگران و به صورت هدفمند انجام می‌شود و در نتیجه حامل معناست. برای مثال، هنگامی که یک ورزشکار در مواجهه با چالش‌های اجتماعی مانند زلزله یا جنگ تصمیمی موضع‌گیری می‌کند، این کنش را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان واکنشی فردی تفسیر کرد؛ بلکه این رفتار نوعی کنش اجتماعی است که یا معطوف به هدف مشخصی است یا بر مبنای نوعی عقلائیت شکل می‌گیرد؛ عقلائیتی که نسبت به افکار عمومی و نظم اخلاقی حاکم بر جامعه فشار است و در همان چهارچوب بروز می‌یابد.

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران تا چه حد تحت تأثیر فشارها و انتظارات مجموعه‌ها و محیط اجتماعی شکل می‌گیرد؟

از دیدگاه ساختاری، می‌توان ورزشکاران را در «میدان ورزش» تحلیل کرد؛ میدانی که دارای قواعد، سرمایه‌ها و انتظارات خاص خود است. در این چهارچوب، مسئولیت اجتماعی بیش از آنکه صرفاً انتخابی فردی باشد، محصول فشارهای ساختاری وارد بر ورزشکاران است. این فشارها از سوی عوامل مختلفی همچون رسانه‌ها، باشگاه‌ها، حامیان مالی، افکار عمومی و حتی ساختارهای اجتماعی اعمال می‌شوند. بر این اساس، بسیاری از کنش‌هایی که در ظاهر اخلاقی به نظر می‌رسند، در واقع بخشی از منطق بازتولید مشروعیت در میدان ورزش هستند. به بیان دیگر، برخی از ورزشکاران در پاسخ به الزامات این میدان و برای حفظ یا ارتقای موقعیت خود، به رفتارهایی دست می‌زنند که در قالب «مسئولیت اجتماعی» تفسیر می‌شوند.

آیا می‌توان گفت مسئولیت اجتماعی ورزشکاران صرفاً نتیجه اجبار و فشارهای اجتماعی است؟

وقتی به ورزش در جامعه ایران نگاه می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که ورزشکاران در خلأ عمل نمی‌کنند؛ بلکه کنش‌ها و فعالیت‌های آنها در تعامل با مجموعه‌های مردمی و ورزشی شکل می‌گیرد. رسانه‌های رسمی، شبکه‌های اجتماعی، باشگاه‌ها و حتی برخی نهادهای مدنی، هنگامی به نوعی بر ورزشکاران فشار وارد می‌کنند که بار اخلاقی بیشتری را بر دوش آنها می‌گذارند.

نمی‌توان مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را صرفاً به این فشارها تقلیل داد. این مسئولیت را باید حاصل تعامل «عاملیت» و «ساختار» دانست. در واقع، ترکیبی از عاملیت و ساختار اجتماعی در ورزش، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را پدید می‌آورد.

از نگاه نظریه سرمایه اجتماعی، ورزشکاران چه نقشی در ایجاد یا تقویت اعتماد در جامعه دارند؟ بر اساس نظریه‌های معتبر از جمله نظریه «پادام»، سرمایه اجتماعی متشکل از دو رکن اصلی است: «اعتماد اجتماعی» و «کنش‌های همکاری»؛ عناصری که در شکل‌هم به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کنند.

ورزشکاران دقیقاً نقشه در جامعه دارند؟ ورزشکاران می‌توانند در سه سطح در تولید و بازتولید جامعه و اعتماد اجتماعی نقش داشته باشند. سطح اول، نقش

پیونددهنده (سرمایه پیوندی): ورزشکاران می‌توانند به تقویت هویت‌های جمعی کمک کنند. برای مثال، ورزش‌هایی مانند فوتبال در میان هواداران احساس تعلق ملی، شهری یا قومی ایجاد و پیوندهای درون‌گروهی را تقویت می‌کنند.

سطح دوم، نقش پل‌زننده (سرمایه پل‌زننده): ورزش این قابلیت را دارد که افراد و گروه‌های مختلف را در یک تجربه مشترک کنار هم قرار دهد. مسابقات ورزشی می‌توانند به‌طور موقت شکاف‌های اجتماعی، طبقاتی، هویتی و قومی را کاهش دهند و نوعی همبستگی میان گروه‌های مختلف ایجاد کنند.

سطح سوم، نقش نهادی (سرمایه نهادی): ورزشکاران با رفتارهای اخلاقی، عملکرد مسئولانه و شفاف می‌توانند به بازسازی اعتماد به مجموعه‌های ورزشی کمک کنند. در جوامعی که با چالش اعتماد روبه‌رو هستند، ستاره‌های ورزشی گاه به‌عنوان چهره‌های مرجع و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. این جایگاه می‌تواند به کاهش شکاف‌های اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی کمک کند.

آیا می‌توان از ورزشکاران انتظار داشت نقش فراتر از میدان ورزش داشته باشند و این انتظار تا چه حد منطقی است؟

در چهارچوب ساختارهای اجتماعی، «نقش» و «میزان اجتماعی» از عناصر اساسی هستند. هرچه انتظارات اجتماعی از یک فرد بیشتر شود، احتمال بروز «تعارض نقش» نیز افزایش می‌یابد.

تعارض نقش در مورد ورزشکاران یعنی چه؟

تعارض نقش زمانی رخ می‌دهد که از یک فرد، انتظارات متفاوت و گاه متناقضی وجود داشته باشد. در مورد ورزشکاران، اگر حجم این انتظارات زیاد شود، ممکن است آنها نتوانند همه این نقش‌ها را به خوبی ایفا کنند. به‌طور مثال، از ورزشکاران انتظار می‌رود هم قهرمان ورزشی باشند، هم الگوی اخلاقی، هم کنشگر اجتماعی و حتی در چالش‌های مختلف موضع‌گیری کنند یا رفتارهای اقتصادی هم‌دلالانه داشته باشند. این تعدد انتظارات می‌تواند باعث شود ورزشکار با فشار و پیچیدگی‌های زیادی روبه‌رو شود، عملکردش تحت تأثیر قرار گیرد و حتی دچار فرسودگی شغلی شود. به بیان دیگر، اگر این انتظارات بیش از حد باشند، ممکن است ورزشکار نتواند نقش اصلی و حرفه‌ای خود را به‌درستی ایفا کند و با نوعی بار اضافی فراتر از ظرفیتش مواجه شود.

آیا این وضعیت می‌تواند برای ورزشکاران خطرناک باشد؟

بله، وقتی مجموعه‌های مختلف اجتماعی با چالش اعتماد روبه‌رو می‌شوند، جامعه برای جبران این کمبود، به گروه‌های مرجع مانند ورزشکاران روی می‌آورد. در چنین شرایطی، ورزشکاران به‌طور ناخوشایسته به بستری برای کسب «سرمایه نمادین» تبدیل می‌شوند. اما این موقعیت در کنار فرصت‌ها، پیامدهای هم دارد؛ از جمله اینکه می‌تواند به تعارض نقش و حتی فرسودگی شغلی در میان ورزشکاران منجر شود.

چرا این وضعیت به تعارض نقش منجر می‌شود؟

زیرا از ورزشکاران انتظار می‌رود هم‌زمان چندین نقش متفاوت را ایفا کنند. از یک‌سو باید به عنوان یک شهروند مسئول و کنشگر اجتماعی فعال و هدفمند عمل کنند و نسبت به مسائل جامعه واکنش نشان دهند. از سوی دیگر، از آنها انتظار می‌رود الگوی اخلاقی باشند و معیارهای ارزشی جامعه را نیز رعایت کنند. ترکیب این انتظارات گاهی به حدی گسترده می‌شود که ورزشکار با مجموعه‌ای از نقش‌های متداخل و حتی متعارض روبه‌رو می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند فشار روانی ایجاد کند و عملکرد حرفه‌ای او را تحت تأثیر قرار دهد.

چگونه می‌توان به ورزشکاران کمک کرد تا دچار تعارض نقش نشوند؟ یکی از راه‌حل‌ها، تفکیک میان انواع نقش‌هایی است که از ورزشکار انتظار

ورزشی و فنواری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

می‌رود. به این معنا که بی‌زیرم ورزشکار می‌توانند در عین حال که یک شهروند کمک کنند. برای مثال، ورزش‌هایی مانند فوتبال در میان هواداران احساس تعلق ملی، شهری یا قومی ایجاد و پیوندهای درون‌گروهی را تقویت می‌کنند. سطح دوم، نقش پل‌زننده (سرمایه پل‌زننده): ورزش این قابلیت را دارد که افراد و گروه‌های مختلف را در یک تجربه مشترک کنار هم قرار دهد. مسابقات ورزشی می‌توانند به‌طور موقت شکاف‌های اجتماعی، طبقاتی، هویتی و قومی را کاهش دهند و نوعی همبستگی میان گروه‌های مختلف ایجاد کنند.

سطح سوم، نقش نهادی (سرمایه نهادی): ورزشکاران با رفتارهای اخلاقی، عملکرد مسئولانه و شفاف می‌توانند به بازسازی اعتماد به مجموعه‌های ورزشی کمک کنند. در جوامعی که با چالش اعتماد روبه‌رو هستند، ستاره‌های ورزشی گاه به‌عنوان چهره‌های مرجع و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. این جایگاه می‌تواند به کاهش شکاف‌های اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی کمک کند.

سطح سوم، نقش نهادی (سرمایه نهادی): ورزشکاران با رفتارهای اخلاقی، عملکرد مسئولانه و شفاف می‌توانند به بازسازی اعتماد به مجموعه‌های ورزشی کمک کنند. در جوامعی که با چالش اعتماد روبه‌رو هستند، ستاره‌های ورزشی گاه به‌عنوان چهره‌های مرجع و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. این جایگاه می‌تواند به کاهش شکاف‌های اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی کمک کند.

آیا می‌توان از ورزشکاران انتظار داشت نقش فراتر از میدان ورزش داشته باشند و این انتظار تا چه حد منطقی است؟

در چهارچوب ساختارهای اجتماعی، «نقش» و «میزان اجتماعی» از عناصر اساسی هستند. هرچه انتظارات اجتماعی از یک فرد بیشتر شود، احتمال بروز «تعارض نقش» نیز افزایش می‌یابد.

تعارض نقش در مورد ورزشکاران یعنی چه؟

تعارض نقش زمانی رخ می‌دهد که از یک فرد، انتظارات متفاوت و گاه متناقضی وجود داشته باشد. در مورد ورزشکاران، اگر حجم این انتظارات زیاد شود، ممکن است آنها نتوانند همه این نقش‌ها را به خوبی ایفا کنند. به‌طور مثال، از ورزشکاران انتظار می‌رود هم قهرمان ورزشی باشند، هم الگوی اخلاقی، هم کنشگر اجتماعی و حتی در چالش‌های مختلف موضع‌گیری کنند یا رفتارهای اقتصادی هم‌دلالانه داشته باشند. این تعدد انتظارات می‌تواند باعث شود ورزشکار با فشار و پیچیدگی‌های زیادی روبه‌رو شود، عملکردش تحت تأثیر قرار گیرد و حتی دچار فرسودگی شغلی شود. به بیان دیگر، اگر این انتظارات بیش از حد باشند، ممکن است ورزشکار نتواند نقش اصلی و حرفه‌ای خود را به‌درستی ایفا کند و با نوعی بار اضافی فراتر از ظرفیتش مواجه شود.

آیا این وضعیت می‌تواند برای ورزشکاران خطرناک باشد؟

بله، وقتی مجموعه‌های مختلف اجتماعی با چالش اعتماد روبه‌رو می‌شوند، جامعه برای جبران این کمبود، به گروه‌های مرجع مانند ورزشکاران روی می‌آورد. در چنین شرایطی، ورزشکاران به‌طور ناخوشایسته به بستری برای کسب «سرمایه نمادین» تبدیل می‌شوند. اما این موقعیت در کنار فرصت‌ها، پیامدهای هم دارد؛ از جمله اینکه می‌تواند به تعارض نقش و حتی فرسودگی شغلی در میان ورزشکاران منجر شود.

از دیدگاه اخلاق عمومی، وقتی جامعه با چالش‌های اقتصادی روبه‌رو باشد، انتظار همدلی از افراد مشهور و پرآرزد، از جمله ورزشکاران، قابل درک و پذیرفتنی است. کنش‌های داوطلبانه آنها برای کمک به وضعیت اقتصادی می‌تواند سرمایه اخلاقی و حتی مشروعیت اجتماعی برای‌شان ایجاد کند. بنابراین، اگر مطالبه‌ای برای کاهش دستمزد ورزشکاران مطرح شود، می‌توان گفت که در چهارچوب اخلاق عمومی، این انتظار تا حدی قابل دفاع است.

از دیدگاه اقتصادی، این موضوع را چطور باید بررسی و تحلیل کرد؟ بر مبنظر اقتصاد سیاسی، تمرکز صرف بر دستمزد ورزشکاران می‌تواند ما را از مسأله اصلی منحرف کند. نابرابری‌های اقتصادی عمدتاً نتیجه سیاست‌های غلط اقتصادی هستند، نه کنش‌های فردی. در چنین شرایطی، نقش ورزشکاران در ایجاد نابرابری معمولاً بسیار کمتر از نقش این ساختارها است.

اگر مطالبه کاهش دستمزد فقط متوجه ورزشکاران شود، این خطر وجود دارد که نگاه اخلاقی جای تحلیل ساختاری را بگیرد. در نتیجه، افکار عمومی به جای نقد نابرابری‌های کلان، بر چهره‌های

قابل مشاهده مانند ورزشکاران متمرکز می‌شود. این امر باعث می‌شود به جای بررسی ریشه‌های اصلی نابرابری، به سراغ نموده‌های ظاهری آن برویم و از مسأله اساسی منحرف شویم.

در جوامعی که نابرابری اقتصادی در حوزه دستمزد وجود دارد، تصویر ورزشکاران در جامعه چگونه شکل می‌گیرد؟

در جوامعی که از نظر ساختاری و اجتماعی نابرابر هستند، ورزشکاران معمولاً با دو تصویر متناقض مواجه‌اند: از یک‌سو به‌عنوان قهرمانان ملی شناخته می‌شوند و از سوی دیگر، نمادی از فاصله طبقاتی به شمار می‌آیند. در این میان، رسانه‌ها نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای دارند. آنها می‌توانند سبک زندگی لوکس و متفاوت ورزشکاران را برجسته‌کنند یا بر فشارهای معیشتی موجود در جامعه تأکید داشته باشند.

این نوع بازنمایی ممکن است احساس «محروریت نسبی» را در میان مردم افزایش دهد و حتی به تضعیف رابطه عاطفی جامعه با ورزشکاران منتهی شود. این امر سبک زندگی لوکس و متفاوت ورزشکاران را برجسته‌کنند یا بر فشارهای معیشتی موجود در جامعه تأکید داشته باشند. این نوع بازنمایی ممکن است احساس «محروریت نسبی» را در میان مردم افزایش دهد و حتی به تضعیف رابطه عاطفی جامعه با ورزشکاران منتهی شود. این امر سبک زندگی لوکس و متفاوت ورزشکاران را برجسته‌کنند یا بر فشارهای معیشتی موجود در جامعه تأکید داشته باشند.

آیندگان دادن فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران در رسانه‌ها باعث افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود یا ممکن است به‌نمایشی شدن این رفتارها منجر شود؟

برای پاسخ به این پرسش، می‌توان از دیدگاه ساختاری و سیاست‌بر نظریه کنش اجتماعی استفاده کرد. اساس این نظریه، کنش‌های خیرخواهانه می‌توانند به «سرمایه نمادین» تبدیل شوند؛ یعنی نوعی سرمایه که برای فرد اعتبار اجتماعی و مشروعیت به همراه می‌آورد. ورزشکاران از طریق مشارکت در امور خیریه، فعالیت‌های اجتماعی یا حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند این سرمایه را افزایش دهند. در نتیجه، محبوبیت اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند، نفوذشان در جامعه افزایش می‌یابد و حتی ممکن است به قدرت اجتماعی افزایش‌یافته دست پیدا کنند.

در چنین شرایطی، ورزشکاران با توجه به اعتبار اجتماعی و مشروعیت به همراه می‌آورد. ورزشکاران از طریق مشارکت در امور خیریه، فعالیت‌های اجتماعی یا حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند این سرمایه را افزایش دهند. در نتیجه، محبوبیت اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند، نفوذشان در جامعه افزایش می‌یابد و حتی ممکن است به قدرت اجتماعی افزایش‌یافته دست پیدا کنند.

آیا این کنش‌ها می‌توانند به‌عنوان یک کنش اجتماعی شناخته شوند؟

برای پاسخ به این پرسش، می‌توان از دیدگاه ساختاری و سیاست‌بر نظریه کنش اجتماعی استفاده کرد. اساس این نظریه، کنش‌های خیرخواهانه می‌توانند به «سرمایه نمادین» تبدیل شوند؛ یعنی نوعی سرمایه که برای فرد اعتبار اجتماعی و مشروعیت به همراه می‌آورد. ورزشکاران از طریق مشارکت در امور خیریه، فعالیت‌های اجتماعی یا حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند این سرمایه را افزایش دهند. در نتیجه، محبوبیت اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند، نفوذشان در جامعه افزایش می‌یابد و حتی ممکن است به قدرت اجتماعی افزایش‌یافته دست پیدا کنند.

رسانه‌ها چگونه می‌توانند در اعتمادسازی نقش داشته باشند؟ رسانه‌ها فقط بازناب‌دهنده پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی نیستند، بلکه در ساختن معنا نیز نقش دارند. آنها با انتخاب موضوعات، نحوه روایت، چگونگی تصویربندی مسائل اخلاقی و تکرار پیام‌های مشخص، می‌توانند الگوی «ورزشکار مطلوب» را شکل دهند.

علاوه بر رسانه‌های رسمی، شبکه‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر در زندگی اجتماعی نفوذ گسترده‌ای پیدا کرده‌اند، این فرآیند را تشدید کرده‌اند. در نتیجه، ورزشکاران نه تنها در میدان ورزش با رسانه‌های رسمی مواجه‌اند، بلکه در شبکه‌های اجتماعی نیز به‌طور مداوم در حال ارزیابی شدن هستند. این وضعیت پیامدهای مثبت و منفی دارد.

از یک‌سو، این فضای می‌تواند به ترویج الگوهای مسئولیت اجتماعی و افزایش حساسیت عمومی نسبت به مسائل



چه سازوکارهایی می‌توانند مسئولیت اجتماعی ورزش را از یک کنش داوطلبانه و فردمحور به یک سیاست پایدار و ساختاری تبدیل کنند؟

در دنیا سازوکارهای مختلفی برای نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در ورزش وجود دارد. یکی از راهکارهای مهم، شروع آموزش اخلاق حرفه‌ای و حساسیت اجتماعی از سطوح پایه، یعنی در آکادمی‌های ورزشی است. همچنین می‌توان ورزشکاران را در پروژه‌های توسعه محلی و اجتماعی مشارکت داد تا نقش فعال‌تری در جامعه داشته باشند.

بدین ترتیب، ایجاد همکاری میان نهادهای مدنی و نهادهای ورزشی می‌تواند به تقویت مسئولیت اجتماعی در ورزش کمک کند. علاوه بر این، راه‌اندازی یک نظام ارزیابی اجتماعی برای باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها نیز اهمیت دارد؛ به‌طوری‌که میزان پایبندی آنها به مسئولیت اجتماعی

سنجیده شود و در کنار آن، و دیده شدن نیز برای عملکردهای مثبت در ورزش مسئولیت اجتماعی پایدار در جامعه باشد. این مجموعه اقدامات می‌تواند به نهادینه شدن مسئولیت اجتماعی در ورزش کمک کند.

آیا اگر فقط روی مسئولیت فردی ورزشکاران تمرکز کنیم، ممکن است مشکلات ساختاری جامعه نادیده گرفته شود؟

اگر مسائل ساختاری را صرفاً به شکل فردی تحلیل کنیم، دچار نوعی اشکاف تحلیلی می‌شویم. در این حالت، از مسائل کلان و مهم در سطح ساختارها غفلت می‌شود. به بیان ساده، وقتی تمام تمرکز بر اخلاقی فردی ورزشکاران قرار گیرد و ممکن است نابرابری‌های ساختاری دیده نشود و ضعف‌های سیاست‌گذاری و اقتصاد ورزشی نادیده گرفته شود، در جامعه‌شناسی انتقادی، این وضعیت با عنوان «فردی‌سازی امر اجتماعی» شناخته می‌شود؛ در حالی که این انتظار نه عادلانه است و نه کارآمد. در واقع، نمی‌توان از یک ورزشکار انتظار داشت که با کنش فردی خود، به تنهایی تغییرات ساختاری گسترده ایجاد کند.

آیا این کارکرد ورزش در دنیا شرط یا محدودیتی هم دارد؟ این کارکرد مشروط است. ورزشکاران در همه جای دنیا زمانی می‌توانند نقش میانجی پررنگی میان طبقات و گروه‌های اجتماعی داشته باشند که از فساد و تبعیض دور باشند و در آن جامعه نابرابری‌های ساختاری وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی است که ظرفیت ورزش برای پیوند دادن گروه‌های مختلف اجتماعی تقویت می‌شود.

چگونه می‌توان بین موفقیت حرفه‌ای و ورزشکاران و انتظارات اجتماعی از آنها به عنوان کنشگران اجتماعی تعادل برقرار کرد، بدون اینکه فشار بیش از حد یا سوءاستفاده اجتماعی ایجاد شود؟ تعادل میان موفقیت حرفه‌ای ورزشکاران و انتظارات اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که مرز نقش‌ها به‌درستی مشخص باشد. باید پذیرفت که ورزشکاران الزاماً سیاستمدار، روشنفکر یا کنشگر اجتماعی نیستند و نقش اصلی آنها ورزش است. آنها می‌توانند در فعالیت حرفه‌ای خود، نقش‌های دیگری نیز داشته باشند، اما نباید همه مسئولیت‌های اجتماعی صرفاً بر دوش آنها قرار گیرد.

از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی باید نهادمند و ساختاری باشد، نه فردمحور. نباید بار اخلاقی و اجتماعی جامعه را فقط بر دوش ورزشکاران گذاشت، زیرا مسئولیت اجتماعی ماهیتی جمعی و مشارکتی دارد و همه نهادها و افراد جامعه در آن سهم دارند.

آیا سکوت یا عدم دخالت ورزشکاران در برخی مسائل اجتماعی یا حوزه‌های دیگر، به معنای رفتار غیراخلاقی است؟

در برخی موارد، لازم است جامعه به بلوغ فکری برسد و حق «عدم

ورزشکاران در شکل‌گیری هویت جمعی و تقویت انسجام اجتماعی چه نقشی دارند. بویژه در جوامعی که شکاف‌های اقتصادی و نابرابری در پرداخت دستمزدهای ورزشی وجود دارد.

ورزشکاران بخشی از «تخیل جمعی» یک ملت به‌شمار می‌آیند؛ یعنی در ذهن جامعه، آنها صرفاً افراد حرفه‌ای نیستند، بلکه حاملان نمادهای ملی و اجتماعی‌اند. در چنین چهارچوبی، ورزش می‌تواند تجربه‌ای مشترک برای افراد ایجاد کند.

این تجربه مشترک قادر است به‌طور موفق مرزهای طبقاتی، اقتصادی، قومی و فرهنگی را کم‌رنگ یا تعلق کرده و احساس تعلق ملی را در میان گروه‌های مختلف تقویت کند. به این ترتیب، ورزش به بستری برای هم‌زمانی عاطفی و اجتماعی افراد با پیشینه‌های متفاوت تبدیل می‌شود.

اگر فاصله اقتصادی میان ورزشکاران و جامعه توسط رسانه‌ها بیش از حد برجسته شود، کارکرد وحدت‌بخش آنان تضعیف می‌شود. در چنین شرایطی، ورزشکار ممکن است از جامعه خود جدا و بیگانه به نظر برسد و دیگر نتواند نقش مؤثری در تقویت انسجام اجتماعی ایفا کند.

بنابراین، مشروعیت اجتماعی ورزشکار تنها به موفقیت‌های فنی و ورزشی او وابسته نیست، بلکه به میزان نقش او در ایجاد و تقویت انسجام اجتماعی نیز مرتبط است. این نقش تا حد زیادی به نحوه بازنمایی او در رسانه‌ها بستگی دارد؛ اینکه چگونه تصویر او می‌تواند تجربه مشترک و احساس تعلق ملی را در جامعه تقویت کند.

می‌توان گفت تجربه زیست اجتماعی در ورزش و نحوه تعامل میان ورزشکاران و تصویری که جامعه از آنها می‌سازد، در شکل‌گیری سازوکارهایی مؤثر است که به تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

آیا می‌توان ورزش را در جوامع به‌عنوان یک فضای میانجی میان طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف در نظر گرفت؟

می‌توان ورزش را همانند یک فضای میانجی در نظر گرفت که میان طبقات اجتماعی و گروه‌های مختلف کارکرد دارد.

چرا ورزش چنین کارکردی دارد؟ زیرا ورزش امکان تجربه جمعی را فراهم می‌کند. از طریق ورزش می‌توان تجربه‌های مشترک اجتماعی را مشاهده کرد و حتی نوعی زبان عاطفی مشترک میان افراد ایجاد می‌شود.

ورزش و موسیقی کارکردهای مشابهی دارند؛ هر دو می‌توانند فراتر از مرزهای جغرافیایی عمل کنند و درک شوند و افراد با وجود تفاوت‌های سیاسی، زبانی و فرهنگی به‌عنوان یک زبان ارتباطی میان گروه‌های بسیار نامهمگون، متنوع و متفاوت عمل کند. به همین دلیل، می‌توانند پیوند دهند و نزدیک‌کنند و یک ورزشکار انتظار داشت که با کنش فردی خود، به تنهایی تغییرات ساختاری گسترده ایجاد کند.

مداخله را نیز به رسمیت بشناسد. سکوت یا عدم حضور اجتماعی لزوماً به معنای رفتار غیراخلاقی نیست. گاهی افراد، از جمله ورزشکاران، شناخت یا تخصص کافی نسبت به یک موضوع ندارند و در چنین شرایطی، سکوت آنها می‌تواند امری طبیعی و حتی قابل احترام باشد. نباید از آنها انتظار داشت همزمان نقش روشنفکر، سیاستمدار و کنشگر اجتماعی را نیز ایفا کنند. بنابراین، عدم مداخله نیز در بسیاری موارد شکاف‌های قومی، نسلی و طبقاتی را حتی به‌صورت موقت کاهش دهد.

مداخله را نیز به رسمیت بشناسد. سکوت یا عدم حضور اجتماعی لزوماً به معنای رفتار غیراخلاقی نیست. گاهی افراد، از جمله ورزشکاران، شناخت یا تخصص کافی نسبت به یک موضوع ندارند و در چنین شرایطی، سکوت آنها می‌تواند امری طبیعی و حتی قابل احترام باشد. نباید از آنها انتظار داشت همزمان نقش روشنفکر، سیاستمدار و کنشگر اجتماعی را نیز ایفا کنند. بنابراین، عدم مداخله نیز در بسیاری موارد می‌تواند یک اشکاف قابل قبول تلقی شود.

فشارهای اجتماعی چه تأثیری بر ورزشکاران دارد؟

یکی از مسائل مهم، وجود فشارهای روانی و اجتماعی مداوم بر ورزشکاران است؛ به‌گونه‌ای که از آنها انتظار می‌رود در همه حوزه‌ها موضع‌گیری و کنش داشته باشند. این فشارها می‌تواند به فرسودگی روانی منجر شود و در صورت نبود حمایت‌های لازم، مشکلات جدی برای آنها ایجاد کند. حمایت روانی و نهادی از ورزشکاران ضروری است. باید پذیرفت که موفقیت حرفه‌ای آنها در رشته ورزشی‌شان امری مشروع و طبیعی است. شغل ورزشکار، ورزش کردن است و باید قواعد و الزامات این حرفه به رسمیت شناخته شود.

از سوی دیگر، اگر این نگاه پذیرفته شود، موفقیت اقتصادی ورزشکار نیز نباید انتظار شود. درآمد و جایگاه اجتماعی او نتایج مستقیم عملکرد حرفه‌ای‌اش است و می‌تواند به ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی او منجر شود. در عین حال، انتظارات اجتماعی باید به‌شکل معطوف به اصول کلی اخلاقی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری عمومی باشد، نه تحمیل نقش‌های فراتر از حوزه تخصصی او.

عکس: خبرنگاری نسیم